

«مقاله‌ی پژوهشی»

**تحلیل گفتمان رابطه دولت و طبقات اجتماعی در دولت سازندگی**

سعید حاجی ناصری<sup>۱\*</sup>

حسینعلی یارخی جوشقانی<sup>۲</sup>

نجف شیخ سرایی<sup>۳</sup>

**چکیده**

**هدف:** هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی برای ما قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند، هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است، به دست می‌آورد. بر این اساس، در مقاله حاضر، گفتمان دولت سازندگی (۷۶-۶۸)، مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است، تا برای این سوال اساسی پاسخی فراهم آورد: گفتمان دولت سازندگی چه تأثیری بر رابطه این دولت و طبقات اجتماعی مختلف داشته است؟ هدف اولیه‌ی این پژوهش پر کردن خلاء نظری و تئوریک موجود در این زمینه است تا بتواند گره‌گشای مسائل روز جامعه‌ی ایران باشد.

**روش شناسی پژوهشی:** در این راستا، از ابزارهای تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف برای تحلیل برخی از متون منتخب، که معرف و نشان‌گر گفتمان و سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی دولت سازندگی می‌باشد، استفاده شده است.

**یافته‌ها:** این مقاله با تحلیل گفتمانی سخنرانی‌های آیت‌الله هاشمی در مراسم تحلیف اولین دوره‌ی ریاست جمهوری، خطبه نماز جمعه و مراسم تحلیف دومین دوره ریاست‌جمهوری، همراه‌سازی بخشی طبقات توسط دولت را نشان داده است.

**نتیجه‌گیری:** مقاله به این نتیجه رسیده است که در گفتمان دولت سازندگی، ضرورت بازسازی کشور سبب گردید که مطالبات و انتظارات طبقات بالای جامعه مورد توجه قرار گیرد و مطالبات و انتظارات طبقات متوسط و پایین موقتا در کانون توجه قرار نگیرد، که این امر دارای پیامدهایی به لحاظ هم شانی و هم اقتصادی در جامعه بود.

**کلید واژه‌ها:** گفتمان، طبقات اجتماعی، دولت سازندگی، توسعه اقتصادی.

**Email:** s.hajinaseri@ut.ac.ir

**Email:** hossein.sh65@yahoo.com

**Email:** sheikhsaraei@yahoo.com

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲- دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران

۳- دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

**مقدمه**

سیاست اقتصادی ایران تا سال ۱۳۶۷، سیاست تثبیت اقتصادی از طریق تقلیل تقاضا به شکل محدودیت واردات، نظارت دولت بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی، قیمت‌گذاری و تعزیرات، و تخطئه و خوار شمردن سرمایه و سرمایه‌داری بود و دولت موسوی نیز نظام اقتصاد دولتی را مدنظر خود قرار داده بود. اما با شروع به کار دولت هاشمی در سال ۶۸، اقتصاد بازار در دستور کار قرار گرفت. اتخاذ سیاست تعدیل از سوی دولت هاشمی در شرایطی صورت پذیرفت بود که برنامه-های تعدیل ساختاری مورد توصیه‌ی نهادهای مالی بین‌المللی با اقبال مواجه بود (شیخیانی، ۱۳۸۸: ۶۳). عنصر مرکزی سیاست تعدیل ساختاری آزادسازی اقتصادی است. آزادسازی اقتصادی یک پدیده‌ی جهانی است. آزادسازی اقتصادی دربرگیرنده‌ی تلاش‌هایی برای کاهش نقش اقتصادی دولت، تکیه‌ی بیشتر بر بازار برای تخصیص کالاها، خصوصی کردن شرکت‌های دولتی، حذف مقررات دولتی، حذف نیاز به اخذ پروانه، حذف سوبسیدها، کاهش تعرفه و دیگر موانع تجاری، کاهش هزینه‌های دولتی، توازن بخشیدن به بودجه و مقابله با تورم بوده است (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۴۲-۴۱). استدلال می‌شود که مداخله‌ی دولت در بازار ناکارا و بحران‌ساز است، ولی سیاست اصلاحات بازارگرایانه سبب رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌شود. قدرت دولت برای دخالت در اقتصاد باید محدود شود؛ دولت باید شرایط ثبات اقتصاد کلان را فراهم سازد، حقوق مالکیت را تضمین کند و قانون و نظم را برای رشد اقتصادی سریع به واسطه‌ی عملکرد بخش خصوصی داخلی و خارجی تامین کند. نهایتاً پس از حصول رشد اقتصادی، توزیع و عدالت اجتماعی بر اساس اصل فروبارشی (یا قطره‌چکانی)<sup>۱</sup> موجب رفاه عمومی می‌شود (Economic liberalization and poverty reduction: 97-98). بنابراین، همسو با لیبرالیسم جهانی، اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های تعدیل ساختاری برای اصلاح اقتصاد کشور در دستور کار دولت قرار گرفت. بر اساس آنچه گفته شد، تلاش نویسندگان این است که از خلال تحلیل گفتمان دولت‌سازندگی به رابطه بین گفتمان حاکم در دولت‌سازندگی در حوزه‌های مختلف و سیاست‌های عملی و اجرایی این دولت پی برده و به این سؤال اساسی که گفتمان دولت‌سازندگی چه تأثیری بر رابطه دولت و طبقات اجتماعی در این دولت داشته است؟ پاسخ دهند. در این مقاله، نویسندگان با رویکردی انتقادی متأثر از تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، متون منتخب دوره سازندگی را مورد تحلیل قرار داده‌اند. هدف این پژوهش، توصیف، تفسیر و تبیین فرایند همراه‌سازی بخشی توسط دولت‌سازندگی با رویکردی آسیب‌شناسانه می‌باشد. اهمیت این امر در این است که نهادینه شدن چنین فرایندی انسجام و هم‌پارچگی اجتماعی را در سطح کلان جامعه با مخاطره روبه‌رو خواهد ساخت. این مقاله بر این فرض اساسی مبتنی است که با تحلیل جامعه به طبقات بالا، پایین و متوسط، دولت وقت نتوانست هر سه این طبقات را با خود همراه کند و سیاست تعدیل باعث همسویی دولت و طبقات بالای جامعه گردید که تبعاتی برای کلیت جامعه داشت. واضح است که سیاست دولت به عنوان متغیر مستقل، جایگاه طبقات اجتماعی به عنوان متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار داد. برای تحلیل گفتمان متون منتخب این دوره نیز سه متن انتخاب می‌شود که متن اول برای تدقیق و مشخص نمودن ابعاد و خطوط اصلی گفتمان مسلط به طور مبسوط تحلیل گفتمانی می‌شود و دو متن بعدی برای ساده‌سازی است و از آنجایی که هر سه این متون متعلق به یک گفتمان هستند و هم‌پوشانی دارند، برای پرهیز از تکرار، بر اساس موارد مشخص‌شده در جدولی که تلخیصی است از فصول ۵ و ۶ کتاب تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، تحلیل گفتمان می‌شوند.

**1. Trickle-Down.**

## ۱- پیشینه تحقیق

در تحقیقات و منابع موجود مرتبط، به منبعی بر نمی‌خوریم که از منظر تحلیل گفتمان به موضوع دولت و طبقات اجتماعی در دوره سازندگی التفات کرده باشد. منابع موجود با تأکید بر وجوه و ابعاد سیاسی ماهیت دولت، تنها از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند. این مقاله بر خلاف منابع فوق دارای صورت‌بندی گفتمانی و تحلیل گفتمانی برای تحلیل رابطه دولت و طبقات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران است. برخی تحقیقات انجام گرفته در این حوزه عبارتند از:

۱- کتاب *جادوی گفتار*. این کتاب به دنبال آن است که نشان دهد انتخابات دوم خرداد صحنه‌ی رویارویی، رقابت و منازعه میان کدامیک از گفتمان‌ها و نظام معنایی بوده است. از منظر نویسنده، انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ یک عرصه‌ی پر حادثه از چالش‌های معنایی بود. در ماه‌های منتهی به خرداد سال ۷۶ جامعه‌ی ایرانی شاهد انبوهی از شعارها، مفاهیم و سخنان تازه بود. همین معانی تازه احساس جمعی تازه و انتظارات تازه‌ای آفرید و الا اگر امواج تبلیغات سیاسی این ماه‌ها نبود و اگر مقرر بود مردم بر اساس خاطرات و میزان آشنایی پیشین خود به کاندیداها رأی دهند، سید محمد خاتمی حتی در سطح بسیار کوچک‌تر از سطح کشور نیز قادر نبود فاتح عرصه‌ی رقابت‌ها باشد (کاشی، ۱۳۷۹). ۲ - کتاب *طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر ۱۳۸۰-۱۳۳۰*. از نظر نویسنده، این کتاب به منظور شناخت و تبیین نقش قشرهای میانی (سنتی و جدید) در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۰ نگارش یافته است. برای دستیابی به این هدف، نقش قشرهای میانی جامعه‌ی ایران در کنار سایر گروه‌های اجتماعی در قالب گفتمان‌های سیاسی آن‌ها بررسی شده است (بحرانی، ۱۳۸۰). ۳- *رساله‌ی تحول ماهیت اجتماعی دولت در ایران (۱۳۷۶-۱۳۵۷)*. نویسنده در این رساله بر آن است که ماهیت اجتماعی دولت در جمهوری اسلامی ایران را بر حسب نوع صورت‌بندی ارتباط میان دولت و جامعه یا پایگاه اجتماعی آن توضیح دهد. از نظر نویسنده، سرشت و ماهیت اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران متأثر از صورت‌بندی ارتباط دولت با طبقات و نیروهای اجتماعی است و صورت‌بندی ارتباط دولت و جامعه نیز بر حسب ساخت قدرت و میزان دخالت دولت در تغییر جامعه شکل می‌گیرد (حجازی، ۱۳۸۰). ۴- رساله‌ی *الگوی آونگی و دولت در ایران پس از انقلاب*، بررسی پویای متقابل ساخت اقتصادی و سیاسی. نویسنده در این رساله تلاش می‌کند تا پویای متقابل ساخت اقتصادی و سیاسی در ایران پس از انقلاب را بررسی کند (حاتمی، ۱۳۸۵). ۵- رساله *بحران‌ها و بی‌ثباتی‌ها در جمهوری اسلامی ایران (۸۴-۱۳۶۰)*. نویسنده در این رساله این پرسش را مطرح می‌کند که مکانیسم بحران و بی‌ثباتی در جمهوری اسلامی ایران چگونه است و چرا جمهوری اسلامی در دوره ۸۴-۱۳۶۰ مواجه با تغییرات و نوسانات شدید در سیاست‌های کلان خود در هنگامه‌ی تغییر رئیس دولت بوده و بی‌ثباتی‌ها و بهم‌ریختگی و خانه‌تکانی شدید سیاسی را تجربه کرده است (شفیعی‌فر، ۱۳۷۸). ۶- کتاب *کامیابی‌ها و ناکامی‌های توسعه در ایران*. نویسنده در این کتاب به نقش دولت‌های پنجم تا یازدهم در توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ می‌پردازد که مملو از آمار و ارقام است (واعظی، ۱۳۹۳). ۷- کتاب *جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی*. نویسنده‌ی کتاب، بر این نظر است که در تاریخ معاصر ایران سه نیروی اجتماعی در مبارزات اجتماعی نقش داشته‌اند: ۱) دولت و طبقه‌ی بالا با نیازها و منافع رشد اقتصادی، ۲) طبقه‌ی متوسط با نیازها و منافع توسعه سیاسی، ۳) طبقه‌ی پائین با نیازها و منافع عدالت اجتماعی. این مقاله به خوبی به لایه‌های اجتماعی و جایگاه طبقات و نیروهای اجتماعی جامعه و تاریخ ایران اشاره دارد، اما به کاربست عملی چنین نگاهی در مورد تاریخ ایران جزء اندک صفحاتی، توجه کافی نشده است (امیراحمدی، ۱۳۸۱).

## ۲- تعریف مفاهیم

**الف) طبقه:** نزد وبر اصطلاح طبقه به گروهی از مردم اشاره دارد که در موقعیت بازار، از فرصت‌های یکسانی برای تهیه کالا و کسب درآمد برخوردارند (باکاک، تامپسون، ۱۳۹۷: ۱۸۳). وبر توجه خاصی به رشد طبقات متوسطی می‌بذول داشت که از گسترش سازمان‌های بوروکراتیک پدید آمده‌اند و بر این باور بود که تضاد در دوران و در بین تمام گروه‌بندی‌های مختلف اجتماعی شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. منطق الگوی وبری حاکی از کثرت دسته‌بندی‌های طبقاتی است (بردلی، ۱۳۹۷: ۳۲).

**ب) همراه‌سازی بخشی:** همراه‌سازی بخشی فرایندی سیاسی است که پیامد آن کسب شأنیت ارزشی (اهمیت سیاسی یافتن) و از نظر اقتصادی منتفع شدن برای طبقات اجتماعی می‌باشد. در رابطه‌ی دیالکتیکی میان عرصه‌ی سیاست و جامعه، دولت به عنوان کارگزار اصلی حوزه‌ی سیاست این فرایند را سبب می‌شود

**ج) گفتمان:** گفتمان یا نظام گفتار، به دو معنا بکار می‌رود: نخست، گفتمان به مثابه شبه‌علم یا ایدئولوژی. دوم، گفتمان به مثابه روش. در اینجا با معنای دوم سروکار داریم.

### ۳- چارچوب نظری

نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف شیوه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد که طی آن، پرکتیس‌های اجتماعی مفصل‌بندی می‌شوند و با دیگر گفتمان‌ها رقابت می‌کنند. این پرکتیس‌ها احتمالی هستند، زیرا نظام‌های معنایی تصادفی هستند و یک حوزه معنایی هرگز نمی‌تواند به طور کامل تثبیت شود (Howarth, 2000: 4-5). برای تدوین و توصیف صورت‌بندی گفتمان‌ها، لاکلا و موف مفاهیم ذیل را به کار می‌گیرند:

**الف) مفصل‌بندی:** لاکلا و موف مفصل‌بندی را به هر نوع پرکتیسی اطلاق می‌کنند که میان عناصر مختلف رابطه‌ای را تثبیت می‌کند که طی آن هویت آن‌ها در نتیجه عمل مفصل‌بندی تغییر می‌کند. کلیتی را که در نتیجه‌ی عمل مفصل‌بندی ساختار می‌یابد، گفتمان می‌نامند.

**ب) دال مرکزی:** دالی که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام‌بخش آن‌هاست.

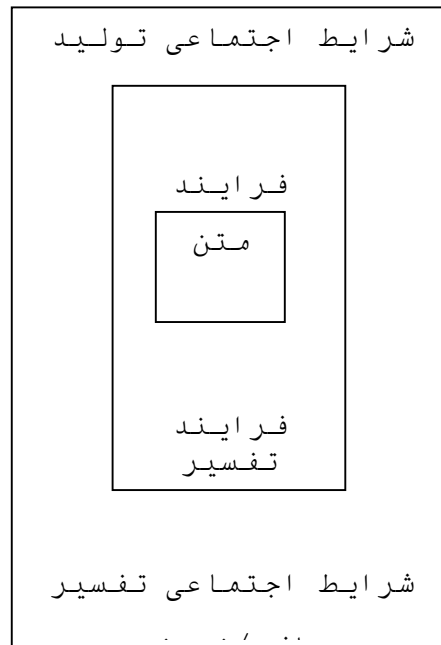
**پ) دال شناور:** دالی است که مدلول آن شناور (غیرثابت) است، به عبارت دیگر، مدلول‌های متعدد دارد و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر خود به آن، با هم رقابت می‌کنند.

**ج) عناصر:** دال‌های شناوری هستند که هنوز ذیل گفتمان قرار نگرفته و در واقع از گفتمان مورد نظر طرد شده‌اند.

**د) وقته:** دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند، وقته می‌نامند.

فرکلاف بر این نظر است که هر تحلیل گفتمان باید تعاملات میان متن و فرا متن را در نظر بگیرد. فرکلاف، گفتمان را متشکل از سه بُعد متن، عمل گفتمانی، عمل اجتماعی می‌داند. بنابراین، در هر رخداد ارتباطی، باید این سه بعد را لحاظ کرد. از این‌رو، فرکلاف گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد توجه قرار می‌دهد. ارتباط این سه سطح به شکل زیر می‌باشد.

## 2. Discourse



در واقع، این مدل سه‌بعدی، چارچوبی است تحلیلی برای تحقیق تجربی درباره‌ی ارتباطات و جامعه. هر نوع تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی، باید ابعاد سه‌گانه فوق را پوشش دهد. بنابراین، تحلیل گفتمان باید بر موارد زیر متمرکز شود: ۱- ویژگی‌های زبانی متن (متن)؛ ۲- فرایندهای مرتبط با تولید و مصرف متن (عمل گفتمانی)؛ ۳- عمل اجتماعی گسترده‌تری که آن رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (عمل اجتماعی) (محسنی، ۱۳۹۱: ۷۵).

#### ۴- بافت موقعیت دولت‌سازندگی

در این دوره سیاست اجرای برنامه تعدیل ساختاری برای اصلاح اقتصاد کشور در دستور کار مسئولان و سیاست‌گذاران کشور قرار می‌گیرد. انجام برنامه‌ی تعدیل ساختاری از دو منظر قابل‌بررسی است. نخست، از منظر ضرورت داخلی به دلیل وجود کسری‌ها و بحران‌های مالی داخلی؛ بر این اساس کشورهایی که دچار کسری و بحران‌های مالی هستند و ساختار کلان اقتصاد خود را دچار عدم تعادل می‌بینند، مجبورند برای اجتناب از سقوط کامل اقتصاد دست به اصلاحات و برنامه‌های تعدیل ساختاری برای بازگرداندن تعادل به اقتصاد بزنند. دوم، از منظر بین‌المللی به عنوان شرطی برای بهره‌مندی از تسهیلات و وام‌های بین‌المللی؛ به دلیل بحران کسری‌ها و متعاقب آن بحران بدهی‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای جلوگیری از ورشکستگی کشورها و سراسری شدن این بحران و غلتیدن اقتصاد بین‌الملل به دوران مشابه سال ۱۹۲۹ کوشیدند تا با ملزم کردن کشورها به اجرای برنامه‌ی تعدیل و آزادسازی به حل این معضل بپردازند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شرط بهره‌مندی کشورهای متقاضی تسهیلات و وام‌های این دو نهاد را اجرای این برنامه قرار دادند.

در رابطه با ایران، عامل ضرورت داخلی موجبات روی‌آوری دولت هاشمی به برنامه‌ی تعدیل را فراهم کرد؛ به نظر مسعود نیلی، معاون سازمان برنامه و بودجه در دولت سازندگی، «تنها ضرورت داخلی باعث اتخاذ سیاست و برنامه‌ی تعدیل ساختاری شد و متغیر بین‌المللی تأثیری در این امر نداشت» (مرتضوی، ۱۳۷۷: ۵۹). در شرایطی که کشور پس از جنگ خود را با مسأله‌ی بازسازی اقتصادی مواجه می‌دید و تمام نشان‌گرهای اقتصادی حکایت از وضعیت نابسامان اقتصاد می‌داد، نیاز به اعتبارات مالی بیش از هر چیز ضرورت داشت. با آن حجم گسترده‌ی بازسازی، اعتبارات داخلی نمی‌توانست جواب‌گوی هزینه‌های دولت باشد. بنابراین تنها راه تأمین اعتبار هزینه‌ها و طرح‌های دولت بهره‌گیری از وام‌ها و تسهیلات بین‌المللی بود. مذاکره و گفتگو با مسئولان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۲/۱۷) و بهره‌مندی از اولین وام در سال ۱۳۷۰ تأییدکننده‌ی این مدعا می‌باشد (Weiss, 2008).

اما مشکل اساسی اقتصاد کشور موضوع کسری بودجه بود که از چند علت ناشی می‌شد؛ ۱- به دلیل خسارات وارده به تأسیسات نفتی در طول جنگ، استخراج نفت کاهش پیدا کرد ۲- به دلیل نوسانات جهانی قیمت نفت، درآمدهای نفت کاهش پیدا کرد ۳- هزینه‌های تحمیلی و روزافزون جنگ سهم زیادی از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌داد ۴- ضرورت مقابله با دشمن خارجی سبب شده بود که اولویت کشور تأمین نیازها و هزینه‌های جنگ باشد ۵- به دلیل ضرورت و الگوی ارزشی حاکم در آن دوره، پرداخت‌ها و سوبسیدهای دولت به جامعه هزینه‌ی سنگینی را به دوش دولت انداخته بود. در چنین شرایطی، دولت برای جبران کسری بودجه متوسل به استقراض از بانک مرکزی می‌شد. این استقراض باعث افزایش نقدینگی و حجم پول در گردش در اقتصاد کشور می‌شد که تورم و افزایش قیمت‌ها را به دنبال داشت.

استقراض از بانک مرکزی سبب شد حجم بدهی‌های دولت به بانک مرکزی، در سال ۱۳۶۷ به رقم ۲۰۲۴/۵ میلیارد ریال برسد که این رقم نسبت به سال ۱۳۵۶ حدود ۵۰۰ درصد افزایش داشته است. افزایش رشد فرآیندهای کسری بودجه و استقراض از بانک مرکزی موجب شد که حجم نقدینگی به ۱۵۳۲۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ برسد. هم‌چنین با توجه به روند کاهشی تولید، اقتصاد قدرت جذب این نقدینگی را نداشت، در نتیجه افزایش قیمت‌ها در کشور اجتناب‌ناپذیر بود (کمالی دهکردی، ۱۳۷۳: ۹۶). شاخص‌های اصلی بحران مالی دولت در این دوره را می‌توانیم در جدول زیر مشاهده کنیم (دژپسند، ۱۳۸۷. رزاقی، ۱۳۹۲. جعفری صمیمی، ۱۳۶۹).

سال	قیمت نفت (میلیارد دلار)	درآمد دولت (میلیارد ریال)	هزینه دولت (میلیارد ریال)	کسری بودجه (میلیارد ریال)	استقراض از بانک مرکزی (میلیارد ریال)	تورم (درصد)
۱۳۵۹	۱۱/۶۰	۱۳۲۵/۹	۲۲۹۸/۴	-۹۷۲/۵	۶۸۸/۶	۲۳/۷
۱۳۶۰	۱۲/۶۵	۱۷۷۰/۱	۲۷۰۷/۱	-۱۰۵۵/۵	۷۷۹/۱	۲۲/۸
۱۳۶۱	۲۰/۰۴	۲۵۰۱/۹	۳۲۷۳/۹	-۸۹۸	۵۶۷/۲	۱۹/۴
۱۳۶۲	۲۰/۴۵	۲۷۷۳/۷	۳۷۲۸	-۹۵۴/۳	۶۹۵/۳	۱۴/۸

۱۰/۴	۳۶۴/۷	-۶۳۸/۸	۳۳۵۳/۶	۲۷۱۴/۸	۱۶/۶۶	۱۳۶۳
۶/۹	۲۵۵	-۶۴۷	۳۳۱۳/۲	۲۶۶۶/۲	۱۳/۹۶	۱۳۶۴
۲۳/۷	۱۲۸۴	-۱۴۴۹/۵	۳۱۵۶/۸	۱۷۰۷/۳	۵/۹۸	۱۳۶۵
۲۷/۵	۱۳۷۴/۷	-۱۴۶۹/۱	۳۶۴۰/۶	۲۱۷۱/۵	۹/۱۸	۱۳۶۶
۲۹	۲۰۴۴/۵	-۲۱۲۵/۲	۴۲۱۰/۶	۲۰۸۵/۴	۷/۵۹	۱۳۶۷

تحت چنین شرایطی، دولت ناگزیر به اجرای برنامه‌ی تعدیل ساختاری شد. اولین برنامه‌ی توسعه در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید، اما برنامه‌ی تعدیل ساختاری از سال ۱۳۶۹ به صورت رسمی آغاز شد. برنامه‌ی تعدیل ساختاری منتج از برنامه‌ی توسعه نبود و همان‌طور که فرشاد مؤمنی بدان اشاره می‌کند، برنامه‌ای که عملاً در حال اجرا بود، در بهترین حالت فقط بخش‌هایی از برنامه‌ی مصوب، یعنی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اول را عمده کرده بود و نکات بسیار عظیم و با اهمیت را کنار گذاشته بود (نگاه روز، ۱۳۷۴: ۳۰). برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تصور می‌کردند که با اجرای برنامه‌ی تعدیل ساختاری‌ای مد نظرشان، از یک‌سو، دیگر در مورد هیچ کالا یا خدمتی بازار دوگانه وجود نخواهد داشت؛ و از سوی دیگر، دولت با بودجه‌ای متوازن و بدون اثرهای فزاینده‌ی پولی و در زمینه‌ای غیرتورمی، هدایت اقتصاد کشور و نیز ارائه‌ی خدمات عمومی را تداوم خواهد بخشید. سیاست‌های اعلام‌شده، حاکی از آن بود که قیمت‌های بازار آزاد به میزان چشم‌گیری کاهش خواهد یافت، و وفور ناشی از تولید انبوه واحدهای تولیدی، وضعیت رفاهی مطلوبی برای جامعه پدید خواهد آورد (نیلی، ۱۳۷۶: ۳۹۷-۳۹۸).

##### ۵- صورت‌بندی گفتمانی دولت سازندگی

با فوت امام خمینی سپهر سیاست در ایران از شخصیت و ویژگی کاریزمایی تهی شد. فقدان امام، زمینه‌ی برجسته شدن اختلافات میان گروه‌ها و احزاب دخیل در سیاست ایران را فراهم کرد. هژمونی کاریزمایی به صورت خالص خود دوام چندانی ندارد و فقط تا زمان حضور و حیات خود کاریزما استمرار دارد. بعد از آن، کاریزما به سنت یا نهادی قانونی و یا ترکیبی از هر دو تبدیل می‌شود. در این صورت هژمونی کاریزمایی بخش وسیعی از ویژگی‌های عمده‌ی خود را از دست می‌دهد و عمیقاً دگرگون می‌شود. پس از فوت امام در سال ۱۳۶۸، بعد از منازعاتی که بر سر جانشینی ایشان شکل گرفت، در نهایت کاریزما به نهادی قانونی تبدیل شد. نهاد ولایت‌فقیه که اینک جایگزین کاریزما شده بود، در واقع به نقطه‌ی ثقل و مرکزی گفتمان محافظه‌کار یا راست تبدیل شده بود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). با پایان جنگ، فصل جدید و مهمی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. پس از فوت امام، جناح عمل‌گرا قدرت را در دست گرفت و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران به سمت میانه‌روی گرایش پیدا کرد (میلانی، ۱۳۸۱: ۳۵۶-۳۵۵). در این دوره، جمهوری اسلامی خود را با وظیفه‌ی انطباق با فضای به وجود آمده با فوت امام خمینی می‌دید و هم‌چنین حقایق ایدئولوژیک را با واقعیت‌های اسفناک جنگ متوازن می‌ساخت. برنامه‌ی بازسازی دارای یک منطق خودپایدار بود و همان‌طور که گفتیم ناشی از ضرورت جنگ بود. وجود اقتصاد در حال سقوط، نخبگان سیاسی کشور را مجبور به اجماع سریع غیرمعمول پیرامون دو موضوع کرد. یکی بحث جانشینی امام و دیگری تدوین برنامه‌ای برای ترمیم و بازسازی خسارات ناشی از

جنگ و احیای پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های به تأخیر افتاده. دوره‌ی بازسازی گرایش‌هایی را که در شرف وقوع بودند، تسریع بخشید؛ گذار از انقلابی‌گری به عادی‌سازی. اما به هر حال، فرایند عادی‌سازی نه آرام بود و نه کاملاً موفقیت‌آمیز (Maloney, 2015: 192). دوره‌ی بازسازی نقش اساسی در شکل‌دهی به تحولات بعدی جمهوری اسلامی ایران بازی می‌کند. با فوت امام خمینی در سه حوزه تحول سیاسی به وجود آمد که این تحولات اصلی‌ترین شاخص‌های هویتی و رفتاری دولت هاشمی را تشکیل می‌دهد. اولین حوزه‌ی تحول مربوط به سیاست داخلی کشور است. دومین حوزه مربوط به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت بود. سومین عرصه‌ی تحول مربوط به سیاست خارجی بود. دولت هاشمی تمامی عرصه‌های مذکور را با موازات یکدیگر پیگیری نمود و درصدد ایجاد تحولات ساختاری در کشور بود. بازتاب این تغییر و تحولات در حوزه‌های اقتصادی و سیاست خارجی چشم‌گیرتر و محسوس‌تر بود (احتشامی، ۱۳۷۸: ۷۶).

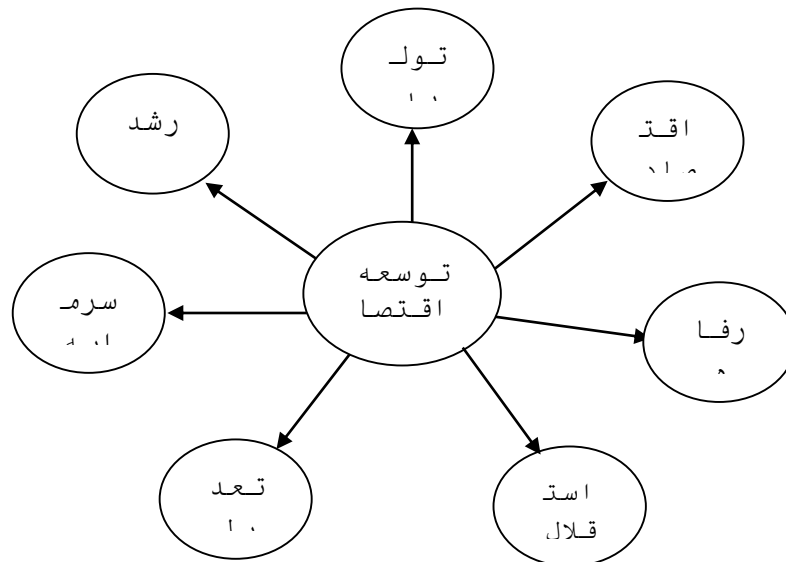
تحت چنین شرایطی، بازسازی و توسعه‌ی اقتصادی کشور در دستور کار دولت قرار می‌گیرد. هاشمی در طول مبارزه-ی انتخاباتی خود بیان داشت که با گذشت ده سال از انقلاب به دلیل جنگ ما هنوز نتوانسته‌ایم به زندگی روزمره‌ی مردم توجه کنیم. من برای آینده‌ی این کشور امیدهایی دارم که ممکن است با امکانات در دسترس هماهنگی و مطابقت نداشته باشد، اما من سعی خواهیم کرد تا آن‌جایی که ممکن است آن‌ها را عملی سازم (Maloney, 2015: 196). آقای هاشمی در توصیف شرایط چنین بیان می‌کند: «همه امکانات باید به سمت تولید سوق داده شود و اگر از تولید غافل شویم باز هم متضرر خواهیم شد. راه نجات از مشکلات به کارگیری سرمایه‌های کوچک در تولید و تجارت است. به طور کلی تولید مساوی با استقلال و رونق اقتصادی و کلید همه مشکلات است. باید شرایطی را فراهم کرد که مردم سرمایه‌های خود را وارد میدان کنند و نقدینگی بخش خصوصی که در دست افراد و بانک‌ها وجود دارد را با اطمینان دادن به مردم در کارهای تولیدی به کار گرفت» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۸/۵/۱۰).

هاشمی هنگامی که در معرفی کابینه‌ی خود وزرای دولتش را کاری و نه سیاسی خواند، این فرایند آغاز غیرسیاسی کردن جامعه بود. این گرایش به نحو بارزی خود را در روزنامه‌ی همشهری نشان داد. روزنامه‌ی همشهری تنها روزنامه-ی بزرگی بود که روش سیاسی را در امتیاز خود قید نکرده بود و در عوض، تأکید بر مسائل اجتماعی را در اولویت قرار داده بود. در این دوره، فرایندی به وقوع پیوست که ممکن است نتوان آن را به مثابه‌ی یک برنامه‌ی از پیش تعیین شده قلمداد کرد. رویکرد اتخاذ شده در این دوره به فرجامی منتهی شد که با پذیرش رفاه به عنوان یک ارزش (که تا آن زمان ضد ارزش شمرده می‌شد) از بسیاری مفاهیم ارزشی موازی قدسیت‌زدایی شد؛ مفاهیمی مانند جنگ فقیر و غنی، مستضعفان و مستکبران، مرفهان و مظلومان (قوچانی، ۱۳۷۹: ۱۳۰-۱۲۹). دولت هاشمی برای نیل به رشد و توسعه‌ی اقتصادی، برنامه و سیاست تعدیل اقتصادی را در دستور کار قرار داد. عدم کارایی نهادهای اقتصاد دولتی، سودده نبودن آن‌ها و وابستگی مدام به واردات، فشار پر دامنه‌ای را بر ذخایر مالی دولت وارد می‌آورد. از این‌رو، دولت هاشمی قصد داشت تا توان و نقش اقتصادی بخش دولتی را در مقایسه با قبل کاهش داده و از این طریق، بحران اقتصادی را که از قبل تداوم یافته بود، تقلیل دهد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۲۲). در این دوره نیاز به بازسازی سبب شد که طبقات بالای جامعه مورد توجه حکومت قرار گیرند. آقای هاشمی خود در این زمینه چنین بیان می‌کند: «نقدینگی مردم خیلی زیاد است. عده‌ای از مردم پول‌دار هستند و مکت دارند. اینها باید در بازسازی نقش داشته باشند» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۸/۵/۱۰). بنابراین تلاش دولت در این دوره معطوف به بسیج منابع طبقات بالا بود. در این دوره ذیل برنامه‌ی تعدیل ساختاری، دولت اقدام به آزادسازی قیمت‌ها و خدمات، خصوصی‌سازی واحدهای تولیدی و صنعتی، تک نرخی کردن ارز، کاهش یارانه‌ها و سوبسیدهای پرداختی کرد. هدف سیاست تعدیل، افزایش تولید بود. تغییر و بهبود در الگوی توزیع درآمد به



مراحل بعدی توسعه و رشد ماکول گردید. از منظر برنامه‌ریزان، توزیع درآمد به صورت خودبه‌خود و در فرایند رشد اقتصادی کشور تحقق یافته و نیاز به مکانیسم خاص یا دخالت مستقیمی برای ایجاد الگوی توزیع درآمد نبود (مصلى نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

اکنون نویسندگان به دنبال آن هستند که با تجزیه و تحلیل برخی از سخنرانی‌های منتخب هاشمی صورت‌بندی گفتمانی این دولت را ترسیم کنند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۹/۱۸، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۸/۱۰/۳، روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۶/۳، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۴/۹، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۴/۲۷). در شکل زیر صورت‌بندی گفتمانی دولت هاشمی را مشاهده کنیم.



## ۶- تحلیل گفتمان متون منتخب

برای تحلیل شیوه‌ی بازنمایی جهان اجتماعی، واژگان، معانی و مفاهیم مرتبط با صورت‌بندی گفتمانی دولت آقای هاشمی، سه متن منتخب که معرف و نشان‌گر سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی دولت سازندگی می‌باشد، بر اساس نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

**الف) سخنرانی آیت‌الله هاشمی در مراسم تحلیف اولین دوره‌ی ریاست جمهوری (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۸/۵/۲۶)**

در اولین متن ارزش تجربی (بازنمایی جهان واقعی تولیدکننده‌ی متن) را در واژگان و مفاهیمی چون قانون اساسی، اشتغال، تولید، سرمایه‌گذاری، مسکن، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، بازسازی، آموزش، تخصص، تنش‌زدایی و

عمل‌گرایی می‌توانیم مشاهده کنیم. این هم‌نشینی و در کنار هم قرار گرفتن واژگان و مفاهیم به لحاظ بار ارزشی و ایدئولوژیک چارچوب و طرح ویژه‌ای به متن داده که بیان‌گر و معرف خطوط و حد و حدود گفتمان دولت هاشمی است. کانون مبارزه و نزاع ایدئولوژیک و گفتمانی این دولت نیز بر سر واژگان و مفاهیم حامل موضوعات مربوط به توسعه‌ی اقتصادی است که با تمرکز بر مفاهیم تولید و رشد از گفتمان دولت پیشین متمایز و مجزا می‌شود. گوینده‌ی متن در راستای اعمال و اجرای فرایند غیریت‌سازی و برجسته کردن مفاهیم اصلی گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از عبارت‌بندی دگرسان استفاده می‌کند.

گفتمان هاشمی با دال مرکزی توسعه‌ی اقتصادی برای سامان بخشیدن به خرابی‌ها و نابسامانی‌های ناشی از جنگ پا به عرصه‌ی مدیریت کشور می‌گذارد. بنیان و ستون فقرات این گفتمان در خلق ارزش تجربی متن خود را در بهره‌گیری و کاربرد روابط معنایی میان واژگان و مفاهیم در دو قالب تضاد معنایی و شمول معنایی جلوه‌گر می‌شود. تضاد معنایی که قطب‌بندی و غیریت‌سازی مکتوم در متن نشان می‌دهد را می‌توان در تقابل‌های دوگانه‌ی تولید/فقر، استقلال/عدم تولید، راه‌اندازی کارخانه‌ها/فساد، عدم سرمایه‌گذاری/استقلال، خوابیدن و هرز رفتن امکانات/استقلال، اشتغال/بیکاری، جنگ/بازسازی مشاهده کرد. با توجه به فحوای کلام گوینده‌ی متن تأکید و اولویت بیشتر بر جنبه‌ی اقتصادی استقلال است. شمول معنایی که نقطه‌ی تمرکز و انسجام گفتمان دولت هاشمی را نشان می‌دهد در بُعد ایجابی در واژگان و مفاهیمی چون تولید، اشتغال، صادرات، سرمایه‌گذاری و در بُعد سلبی در واژگان و مفاهیمی چون فساد، بیکاری، هرز رفتن امکانات و عدم سرمایه‌گذاری می‌توانیم ببینیم. در این متن، تولیدکننده‌ی متن برای ایجاد ارزش، رابطه‌ای در راستای ایجاد اعتماد و همبستگی با مخاطبینش با استفاده از ارزش بیانی، صورت‌بندی‌های مختلفی را سامان داده تا از این طریق بتواند اشتراک ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و دغدغه‌ها را با مخاطبین خود به وجود آورد.

### الف) صورت‌بندی اول

ارزش‌یابی منفی: ۱- مردم از آموزش رایگان بهره‌مند نشده‌اند. ۲- مسکن مناسب برای مردم تهیه نشده است. ۳- بیمه‌ی مناسب به مردم اختصاص داده نشده است. ۴- اشتغال کافی برای مردم فراهم نشده است. ارزش‌یابی مثبت: این بهره‌مندی‌ها بر اساس قانون اساسی جزء حقوق حقه‌ی مردم است و باید به آن‌ها داده شود. می‌بینیم که تولیدکننده‌ی متن دغدغه‌ها و نیازهای مردم را به رسمیت شناخته و اذعان دارد که در دوره‌ی پیشین به دلیل جنگ این نیازها بی‌پاسخ مانده، اما در این دوره که جنگ دیگر وجود ندارد، دولت را ملزم به برآورده کردن و پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌داند.

### ب) صورت‌بندی دوم

ارزش‌یابی منفی: ۱- ایجاد جنگ ۲- طمع و حرص استعمارگران برای تصاحب منابع کشور ۳- مشکل بودن دسترسی به استقلال

ارزش‌یابی مثبت: ۱- انتخاب ما به واسطه‌ی انقلاب.

### پ) صورت‌بندی سوم

ارزش‌یابی منفی: ۱- وجود فقر ۲- خوابیدن امکانات ۳- هرز رفتن امکانات. ارزش‌یابی مثبت: ۱- ایجاد شرایط برای بهره‌برداری معقول.

**ت) صورت‌بندی چهارم**

ارزش‌یابی منفی: ۱- عدم سرمایه‌گذاری ۲- شعارپراکنی ۳- عدم استقلال.  
ارزش‌یابی مثبت: ۱- اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه از سوی دولت.

**ث) صورت‌بندی پنجم**

ارزش‌یابی منفی: ۱- محدود بودن ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها ۲- عدم فراگیری تخصص ۳- کسب درآمد از راه‌های نامتعارف (سیگارفروشی).  
ارزش‌یابی مثبت: ۱- افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها.

**ج) صورت‌بندی ششم**

ارزش‌یابی منفی: ۱- وجود فساد ۲- گرانی کالاها ۳- تعطیلی کارخانه‌ها ۴- بیکاری.  
ارزش‌یابی مثبت: ۱- سیاست و برنامه‌ی دولت راه‌اندازی کارخانه‌ها است.

**چ) صورت‌بندی هفتم**

ارزش‌یابی منفی: ۱- وجود خشک‌سالی ۲- کمبود بارندگی ۳- نامکفی بودن محصولات و فرآورده‌های کشاورزی و دامی.

ارزش‌یابی مثبت: ۱- انجام مقدمات کار از سوی دولت برای جبران کاستی‌ها.

برخلاف دولت مهندس موسوی که برای همراه ساختن توده‌های مردم از عبارات، سیاست‌ها و برنامه‌های توده‌گرایانه و پوپولیستی بهره‌می‌برد، در این متن دیگر خبری از کاربرد حسن تعبیر برای ارج و تکریم گذاشتن به مخاطبین وجود ندارد. دولت تکنوکرات هاشمی با رویکرد عمل‌گرایانه همراه با ارزش‌زدایی و قدسیت‌زدایی به دور از بازی‌های زبانی و ادبیات پوپولیستی وارد عرصه‌ی کار و عمل شده است. در اینجا دولت خود را ملزم به پاسخ‌گویی به مطالبات تمام آحاد جامعه می‌داند. در این متن، گوینده‌ی متن، بارها از وجه دستوری استفاده می‌کند. در جای‌جای متن، این نه مردم، بلکه این دولت است که ملزم و مجبور و پاسخ‌گو شناخته می‌شود؛ دولت ملزم است که حقوق حقه‌ی مردم را بر اساس قانون اساسی که تا به امروز به دلیل جنگ به تعلیق درآمده بود، تأمین کند. این وجه دستوری - امری بیان‌گر حقیقت مسلم بودن این امر و وظیفه است. در تمام متن بالا کنشگری دولت وضوح دارد و تمام جملات متن نشان‌گر کنش و نه رخداد یا توصیف است. برجسته‌سازی دولت به عنوان کنشگری اصلی به خوبی حکایت از آن دارد که دولت در مصدر تمام امور و برنامه‌ها قرار دارد و وظیفه‌ی دولت است که وضعیت موجود را سامان بخشد. در تمام متن، تولیدکننده‌ی متن، برای نشان دادن کنشگری دولت از جملات معلوم استفاده کرده تا نقش اصلی برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها به دولت تعلق داشته باشد.

در سطح تفسیر، معنای کلام و انسجام موضعی متن، می‌توان چارچوب اصلی گفتمان دولت هاشمی را در قالب گزاره-ها و اپیزودهای معنایی زیر با استفاده از دانش زمینه‌ای، پیش‌فرض‌های تلویحی و تفسیر زمینه‌ی بافت متن مشخص ساخت.

۱- از آنجا که هاشمی به خوبی به این امر واقف است که در شرایطی که هنوز گفتمان مسلط حداقل در حوزه‌ی رسمی قدرت، گفتمان عدالت اجتماعی است، بحث از توسعه‌ی اقتصادی می‌تواند دولت آتی را با چالش و مشکل در انجام وظایفش مواجه سازد. هاشمی به خوبی می‌داند در شرایطی که هنوز بحث از ضرورت سیاست‌ها و برنامه‌های بازتوزیعی در فضای سیاسی کشور در جریان است و دولت بزرگ‌ترین متولی این امر شناخته می‌شود، هرگونه شیفت و تغییر

پارادایم می‌تواند سبب برانگیختن مخالفت سایر گروه‌ها و جناح‌ها به ویژه جناح چپ که اکثریت مجلس سوم را نیز در اختیار دارد بشود. در کشوری که به مدت ۱۰ سال تحت سیطره‌ی سیاست‌های بازتوزیعی قرار داشته و تحقق عدالت اجتماعی و توجه به طبقات محروم و پائین جامعه دال مرکزی گفتمان حاکم بوده، به راحتی نمی‌توان به سمت سیاست‌های نئولیبرالی شیف و تغییر جهت داد. از این‌رو، هاشمی به دنبال آن است که در مواجهه با هرگونه مخالفت و چالش آتی، با بهره‌گیری و استناد به قدرت پشت گفتمان، ورود خود به صحنه‌ی سیاست کشور را ناشی از مشورت با فقها، امام و مقام رهبری بداند.

۲- با فوت امام خمینی(ره) در این دوره، صحنه‌ی سیاست کشور از ویژگی‌های شخصیت کاریزمایی تهی می‌شود. تا زمانی که شخص امام حضور داشتند اختلافات در سایه‌ی قدرت کاریزمای ایشان چنان شدت و حدت پیدا نمی‌کرد و اگر هم شدت پیدا می‌کرد با ورود امام به موضوعات مورد اختلاف ادامه پیدا نمی‌کرد. اما هاشمی به خوبی می‌داند که در این دوره نمی‌تواند در برخورد با چالش‌های پیشرو از قدرت پشت گفتمان امام بهره‌گیری و موازنه‌ی قدرت را به نفع خود تغییر دهد. در برخورد با این کاستی هاشمی به بیان وبری، به مشروعیت قانونی متوسل می‌شود. به عبارت بهتر، می‌توان گفت در این دوره مشروعیت قانونی جایگزین مشروعیت کاریزمایی می‌شود. هاشمی سیاست‌ها و برنامه‌های خود را در راستای اصل سوم قانون اساسی می‌داند که بر این اساس دولت موظف به برآورده کردن حقوق حقه‌ی ملت است. الزام قانونی که همان اصول مدون قانون اساسی است می‌تواند جایگزین قدرت کاریزمایی بشود و زین پس به عنوان قدرت پشت گفتمان مورد استفاده و تفسیر دولت قرار گیرد.

۳- هاشمی معتقد است که در دوره‌ی پیشین به دلیل شرایط جنگی دولت نتوانست به مطالبات و خواسته‌های مردم چون اشتغال، مسکن، بیمه و آموزش بپردازد و این امر نیز موجه بوده است. اما در این دوره که دیگر موضوع جنگ منتفی است، دولت باید پاسخ‌گوی مطالبات مردم باشد. در گفتمان هاشمی از جنگ نیز قدسیت‌زدایی می‌شود و به آن به عنوان امری نگاه می‌شود که با تحمیل هزینه‌های مالی بر دوش دولت سبب شد از مطالبات و خواسته‌های مردم غفلت شود. نکته‌ی مهم در این متن این است که به خوبی می‌توانیم یک شیف پارادایمی دیگر را مشاهده کنیم. در دوره‌ی قبل جنگ نه تنها به عنوان مصیبت و بلای جان مردم در نظر گرفته نمی‌شد، بلکه به عنوان یک خیر مورد توجه بود. اما در این دوره با گذار از آرمان‌گرایی دوره‌ی پیشین به واقع‌گرایی، دولت با اتخاذ رویکرد و سیاست تنش‌زدایی باید از وقوع جنگ اجتناب و جلوگیری کند. چرا که جنگ باعث هرز رفتن و هدر رفتن امکانات می‌شود.

۴- در این دوره گذار و شیف اصلی از نظام اقتصادی مبتنی بر توزیع به نظام اقتصادی مبتنی بر تولید اتفاق می‌افتد. از نظر هاشمی دقیقاً به دلیل غفلت از تولید بود که مطالبات، خواسته‌ها و توقعات مردم بی‌جواب بماند. این غفلت از تولید و سرمایه‌گذاری باعث شده که امکانات و منابع کشور به هدر برود و در مسیر درست قرار نگیرد. از نظر هاشمی تنها از طریق تولید می‌توان بر مشکلات اقتصادی کشور فائق آمد و بدون تولید نمی‌توان استقلال کشور را تأمین کرد. دولت هاشمی مصمم است تا با به حرکت درآوردن چرخ صنعت در کشور و ایجاد اشتغال بر مشکل فقر و بیکاری غلبه کند. بنابراین، نظام اقتصادی کشور نیاز به اصلاح دارد.

۵- در اپیزود معنایی دیگر می‌توان گذار از تعهدگرایی به تخصص‌گرایی و از انقلابی‌گری به عمل‌گرایی را دید. هاشمی در دوره‌ی جدید با روبه‌رو شدن با مقتضیات جدید به خوبی به این امر واقف شده است که برای حل مشکلات نیاز به نیروهای متخصص است که تبلور آن را در تشکیل کابینه‌ی تکنوکرات و متخصص می‌بینیم. در جایی که اولویت اصلی تخصص و فن‌سالاری تشخیص داده می‌شود، به تدریج ملاک تعهد در گزینش و ارزیابی شایستگی نیروها در حاشیه قرار می‌گیرد. برای هاشمی معیار و ملاک انتخاب مبتنی بر کارآمدی، شایستگی، کاربلدی و تخصص است. بنابراین

هاشمی با سیاست‌زدایی و محدود کردن حوزه‌ی سیاست با نوعی ایدئولوژی‌زدایی مبتنی بر تخصص‌گرایی، عمل‌گرایی را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهد. در ادبیات به کار برده شده رئیس‌جمهور به خوبی می‌توان تمایز گفتمانی دولت هاشمی با دولت‌های پیشین را تشخیص داد.

جان کلام این متن را می‌توان در این گزاره خلاصه کرد که دولت بر اساس قانون اساسی، ملزم است مطالبات مردم شامل، آموزش، بیمه، مسکن و اشتغال را فراهم سازد.

در سطح تبیین، گفتمان به نوعی بخشی از فرایند اجتماعی است. در اینجا مشخص می‌شود که کدام بنیان‌های اجتماعی سازنده‌ی گفتمان هستند. ساختارهای اجتماعی تعیین‌بخش گفتمان کدامند. در سطح تبیین، همان‌طور که در اپیزودهای فوق اشاره کردیم، دولت هاشمی را می‌توان دولت گذار دانست. در اثر فشارهای داخلی و بین‌المللی سال‌های گذشته و نیز آگاهی از محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی برای ایجاد تغییر در نظام بین‌الملل این گذار اتفاق می‌افتد. گذار از گرایش‌های پوپولیستی به گرایش‌های تکنوکراتیک، از مشروعیت‌کارزمایی به مشروعیت قانونی، از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی، از ماجراجویی به تنش‌زدایی، از تعهدگرایی به تخصص‌گرایی و از انقلابی‌گری به عمل‌گرایی ماهیت دولت هاشمی را شکل می‌دهد. در این دوره، مهم‌ترین دست‌آویز و حربه‌ی دولت هاشمی در مواجهه با مخالفان احتمالی توسل به قانون اساسی است. قانون اساسی در این دوره در متن مبارزات ایدئولوژیک بین جناحی قرار می‌گیرد و جایگزین کارزمای امام می‌شود. در این دوره حتی در قدرت پشت گفتمان نیز گذار اتفاق می‌افتد.

(ب) سخنرانی آیت‌الله هاشمی در نماز جمعه (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹/۶/۳)

الف (۱)	واژگان واجد ارزش تجربی	برنامه، جنگ، تولید، عدم سرمایه‌گذاری، نقدینگی، تورم، کسری بودجه، توزیع نامناسب، فقر، سوپسید، ارز
الف (۲)	نوع عبارت‌بندی	در بیشتر این متن، تولیدکننده‌ی متن برای برجسته ساختن خطوط اصلی گفتمان خود و وجوه اصلی برنامه‌های خود تکیه بر عبارت‌بندی دگرسان می‌کند. بر این اساس فرایند غیریت‌سازی در متن بسیار پررنگ جلوه می‌کند.
الف (۳)	روابط معنایی	در راستای فرایند غیریت‌سازی، گوینده‌ی متن با بهره‌گیری از روابط معنایی تضاد که کانون مبارزه‌ی ایدئولوژیک گفتمان توسعه‌ی اقتصادی را نشان می‌دهد، دوگانه‌های زیر را ایجاد می‌کند: فقیر/غنی - تولید/فقر - پائین بودن تولید ناخالص داخلی/سرمایه‌گذاری - تولید/توزیع نامناسب
الف (۴)	وضعیت کنشگر (مشخص یا نامشخص)	در تمام متن دولت کنش‌گر اصلی شناخته می‌شود و مسئولیت تمام امور را بر عهده دارد.
الف (۵)	فرایند و مشارکین مسلط	در تمام متن فرایند مسلط در قالب کنش می‌باشد و همه‌ی مشارکت‌کنندگان در متن مشخص می‌باشند. در جایی که دولت سیاست‌گذار اصلی است، تولیدکننده‌ی متن دلیلی بر لاف‌گویی نمی‌بیند. در جایی که دولت به "برخی از منتقدین" اشاره می‌کند با به کار بردن واژه‌ی برخی بر ابهام موضوع می‌افزاید و مشخص نمی‌سازد که

این مشارکت‌کننده کیست.		
به دور از هرگونه ابهام و کلی‌گویی فرایندها همان چیزی هستند که به نظر می‌رسند.	وضعیت فرایندها	الف (۶)
در تمام متن تولیدکننده‌ی متن از جملات معلوم استفاده می‌کند.	نوع جملات (معلوم یا مجهول)	الف (۷)
در این متن دیگر همانند متون دوره‌ی قبل خبری از این‌همانندی دولت و ملت وجود ندارد و دولت تنها به عنوان کارگزاری قانونی شناخته می‌شود که به دور از هرگونه تعلق خاطر عاطفی به مردم بر اساس قانون ملزم به انجام وظیفه است.	واژگان و عبارات واجد ارزش رابطه‌ای	ب (۱)
در تمام متن زبان به کار برده شده، زبان رسمی است که رویکرد نخبه‌گرایانه‌ی دولت را نشان می‌دهد.	نوع زبان (رسمی یا محاوره‌ای)	ب (۲)
از آنجایی که دولت به دنبال همراه ساختن مخاطبین با سیاست‌های دولت است، از وجه دستوری خبری استفاده کرده است.	وجه به کار برده شده	ب (۳)
در راستای گرایش نخبه‌گرایانه‌ی دولت دیگری خبری از تکریم ملت و به خصوص طبقات پائین جامعه نیست.	حسن تعبیر	ب (۴)

<p>در این متن نیز همانند متن قبلی گوینده از صورت‌بندی ارزش‌یابی منفی - مثبت استفاده می‌کند تا در انتها با هواداری از ارزش‌یابی مثبت، ارزش رابطه‌ای بیافریند.</p> <p>مثل:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- جنگ</li> <li>- پائین بودن تولید ناخالص داخلی</li> <li>- عدم سرمایه‌گذاری</li> <li>+ تولید</li> <li>- توزیع نامناسب</li> <li>- فقر</li> <li>- کسری بودجه</li> <li>+ تولید</li> <li>- کسری بودجه</li> <li>- خرج کردن بدون تولید</li> <li>- تورم</li> <li>- فقر</li> <li>+ تولید</li> <li>- نقدینگی</li> <li>- تورم</li> <li>+ بهره‌مندی از سیاست‌های تعدیل</li> <li>- جراحی اقتصادی</li> <li>- کاهش ارزش پول ملی</li> <li>- قطع سوبسیدها</li> <li>- در مضیقه قرار گرفتن مردم</li> <li>+ آهنگ‌کُند برنامه‌ی تعدیل</li> </ul>	<p>واژگان و عبارات واجد ارزش بیانی</p>	<p>ج</p>
<p>در دوره‌ای که هاشمی در مصدر امور قرار می‌گیرد به دلیل خرابی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی ناشی از جنگ، تمام شاخص‌های اقتصادی وضع موجود را شکننده و مخاطره‌آمیز نشان می‌دادند. سیاست‌های مبتنی بر اقتصاد بازتوزیعی در دوره‌ی پیشین دیگر نمی‌توانست جواب‌گوی مشکلات موجود باشد. لذا، هاشمی با عدول از سیاست‌های بازتوزیعی، تدوین و اجرای نظام اقتصادی مبتنی بر تولید را در دستور کار قرار داد.</p>	<p>معنای کلام و انسجام موضعی (تفسیر زمینه‌ی بافت متن)</p>	<p>د (۱)</p>
<p>اگر تولید محور برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی دولت قرار گیرد، مشکلات اقتصادی جامعه حل و مرتفع خواهد شد.</p>	<p>جان کلام</p>	<p>د (۲)</p>

۵	تبيين	<p>هاشمی در دوره‌ی جدید جمهوری اسلامی، همراه با اتخاذ رویکرد سیاست‌زدایی و ایدئولوژی‌زدایی از امور و جامعه، ملاحظات اقتصادی را بر سایر موضوعات اولویت می‌دهد. از نظر هاشمی ضرورت بازسازی سبب این توجه می‌شود. هم و غم هاشمی بازگشت انضباط مالی به اقتصاد جامعه می‌باشد. راه حل به راه انداختن چرخ تولید در کشور است. تا زمانی که تولید در کشور نباشد و کارخانه‌ها با رکود مواجه باشند، بحران مالی ادامه پیدا خواهد کرد. سیاست‌های اقتصادی دولت در این دوره با انتقاداتی از سوی هر دو جناح مواجه است. در بخورد با این انتقادات هاشمی به تأسی از رویکرد عمل‌گرایانه و پراگماتیستی دولت، به جای شعار پراکنی و توسل به جلب احساسات، به زبان آمار سخن می‌گوید تا هم جواب منتقدین را داده باشد و هم از طریق تریبون نماز جمعه، افکار عمومی را با برنامه‌های دولت همراه بسازد.</p>
---	-------	--

پ) سخنرانی آیت‌الله هاشمی در مراسم تحلیف دومین دوره‌ی ریاست جمهوری (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۲/۵/۱۳)

الف (۱)	واژگان واجد ارزش تجربی	آزادی سیاسی، اجتماعی، حقوق فردی، اعتلای کشور، عدالت اجتماعی، سوبسید، برنامه، محرومان، قیمت واقعی، تبعیض
الف (۲)	نوع عبارت‌بندی	گوینده‌ی متن در این متن برای تأکید بیشتر از عبارت‌بندی دگرسان بهره می‌گیرد تا نقطه‌ی کانونی مبارزه‌ی ایدئولوژیک را بیشتر نشان دهد. فرایند غیربیت‌سازی در راستای هرچه برجسته کردن تقابل‌های معنایی دوگانه است.
الف (۳)	روابط معنایی	در راستای عبارت‌بندی دگرسان، روابط معنایی مبتنی بر تضاد و تقابل است. گوینده قطب‌بندی‌های زیر را سامان می‌دهد: عدالانه/غیرعدالانه، سوبسید عادلانه/سوبسید نادرست، محرومان و روستانشینان/طبقات متوسط و بالا، عدالت اجتماعی/ضد عدالت اجتماعی، قیمت واقعی/قیمت غیرواقعی
الف (۴)	وضعیت کنشگر (مشخص یا نامشخص)	دولت به عنوان کنشگر اصلی شناخته می‌شود.
الف (۵)	فرایند و مشارکین مسلط	در تمام متن فرایند مسلط در قالب کنش می‌باشد که همه‌ی مشارکت‌کنندگان در متن مشخص می‌باشند. اما در جایی که دولت تصویب قوانین ضد عدالت اجتماعی را مورد نقد قرار می‌دهد، اشاره‌ی مستقیم به مجلس نمی‌کند و به صورت غیرمستقیم مجلس را مورد خطاب قرار می‌دهد.
الف	وضعیت فرایندها	با توجه به اهمیت موضوع، فرایندها همان چیزی هستند که به نظر می‌رسند.



		(۶)
در راستای مشخص ساختن سیاست‌ها، برنامه‌ها و انتقادات تمام جملات معلوم	نوع جملات (معلوم یا مجهول)	الف (۷)
در این متن، گوینده‌ی متن بارها از ضمیر ما استفاده می‌کند، اما این ضمیر اشاره به دولت‌مردان و سیاست‌گذاران دارد و خبری از این‌همانندی دولت و ملت نیست.	واژگان و عبارات واجد ارزش رابطه‌ای	ب (۱)
زبان مورد استفاده رسمی و تهی از هرگونه پیوند عاطفی است.	نوع زبان (رسمی یا محاوره‌ای)	ب (۲)
در تمام متن در مواردی که دولت خود را ملزم به اصلاح امور می‌داند از وجه دستوری امری استفاده می‌کند که بیان‌گر حقیقت مسلم است.	وجه به کار برده شده	ب (۳)
در این متن واژگانی که دلالت بر حسن تعبیر داشته باشند، وجود ندارد.	حسن تعبیر	ب (۴)
در این متن همانند متن قبلی گوینده از صورت‌بندی ارزش‌یابی منفی - مثبت استفاده می‌کند تا در انتها با هواداری از ارزش‌یابی مثبت، ارزش رابطه‌ای بیافزیند. مثل: - ماهیت غیرعادلانه سوبسیدها - عدم سازگاری سوخت مصرفی با عدالت اجتماعی + اصلاح سوبسیدها - سوبسیدهای نادرست - عدم عدالت + برنامه‌ریزی برای تحقق عدالت اجتماعی - وجود تبعیض - محرومیت + برنامه‌ریزی برای برقراری عدالت	واژگان و عبارات واجد ارزش بیانی	ج
هاشمی سیاست موجود در زمینه‌ی پرداخت یارانه را مهم‌ترین دلیل عدم تحقق عدالت اجتماعی واقعی در کشور می‌داند؛ این که دولت موظف باشد به طبقات مختلف جامعه یارانه پرداخت کند، نه تنها ضامن تحقق عدالت اجتماعی نیست، بلکه به ضد عدالت نیز تبدیل می‌شود و نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد. هاشمی عدم تحقق عدالت اجتماعی را ناشی از برداشت‌های چپ‌گرایانه در موضوع عدالت اجتماعی می‌داند، به همین دلیل نقد خود را متوجه دولت پیشین، مجلس و شورای نگهبان می‌کند.	معنای کلام و انسجام موضعی (تفسیر زمینه-ی بافت متن)	د (۱)
تنها راه تحقق عدالت اجتماعی، اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ی فعلی و واقعی ساختن قیمت کالاها و خدمات است.	جان کلام	د (۲)
این متن، نسبت به دو متن پیشین اهمیت بیشتری دارد. این متن در فضایی شکل می‌گیرد که با اجرای برنامه‌ی تعدیل اقتصادی به تدریج انتقادات پیرامون عدم	تبیین	ه

<p>توجه دولت به موضوع عدالت اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. نه تنها جناح چپ، بلکه جناح راست و حتی رهبری انقلاب نیز شروع به نقد عملکرد دولت می‌کنند. از منظر منتقدان، در برنامه‌ی تعدیل ساختاری توجهی به عدالت اجتماعی با تأکید بر برخورداری طبقات پائین و محروم نمی‌شود و این طبقات در طوفان آزادسازی اقتصادی به حال خود رها شده‌اند. در چنین شرایطی، هاشمی به نوعی در مهم‌ترین سخنرانی خود در دوره‌ی دوم ریاست‌جمهوری‌اش اساساً به موضوع عدالت اجتماعی و طبقات پائین می‌پردازد. در سخنرانی‌های پیشین مفاهیم عدالت اجتماعی و طبقات محروم فراموش شده بود. اما در این متن تحت تأثیر منازعات قدرت و مبارزات گفتمانی در سطح سازمان اجتماعی جامعه، بار دیگر این مفاهیم به متن گفتمان توسعه‌ی اقتصادی بازمی‌گردد. به طوری که واژه‌ی عدالت در این متن ۱۸ بار مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته‌ی اساسی در این متن این است که هاشمی از منظر اقتصاد نئولیبرالی به عدالت اجتماعی می‌نگرد. در دوره‌ی پیشین سیاست‌های بازتوزیعی دولت موسوی بر اساس نگرش‌های چپ‌گرایانه اجرا می‌شد، در حالی که هاشمی با رد کارآمدی این سیاست‌ها در تحقق عدالت اجتماعی، با تأکید بر اصلاح یارانه‌های پرداختی، از منظر توزیع نئولیبرالی به موضوع عدالت اجتماعی نگاه می‌کند. با چنین رویکردی، مشاهده می‌کنیم که در گفتمان هاشمی نه تنها سیاست‌های دولت در زمینه‌ی پرداخت یارانه در تحقق عدالت اجتماعی مؤثر و کارگشا نیست، بلکه باعث نابرابری و شکاف بیشتر در جامعه شده است. بنابراین هاشمی به جای عدول از سیاست‌های نئولیبرالی گفتمان توسعه، راه‌حل را در اجرای این سیاست‌ها می‌داند.</p>		
---	--	--

#### نتیجه‌گیری

در این مقاله، سه متن اساسی، که پدیدار محتوا و عمل سیاست‌گذاران دوره سازندگی بودند، انتخاب شدند و در پرتو روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مورد تحلیل گرفتند. با این هدف که چگونگی به وقوع پیوستن فرایند همراه‌سازی بخشی توسط دولت سازندگی، با رویکردی آسیب‌شناسانه، توصیف، تفسیر و تبیین شود. مقاله با فرض گرفتن این دستاورد دانشمندان علوم اجتماعی که جامعه را به لحاظ اقتصادی تشکیل شده از سه طبقه بالا، پایین و متوسطی می‌دانند که با یکدیگر آشتی منافع ندارند، به این نتیجه رسید که در گفتمان دولت هاشمی، در سطح تفسیر متن، ضرورت بازسازی و سازندگی کشور سبب گردید که تمام سعی دولت معطوف به رونق دادن به چرخ تولید کالا در کشور و هدایت اقتصاد در مسیر رشد و توسعه شود. دولت با توجه به نامکفی بودن عواید نفت جهت بازسازی اقتصاد کشور به منابع مکملی چون جلب سرمایه داخلی و استقراض خارجی متوسل شد. این ضرورت سبب گردید که دولت سرمایه و سرمایه‌داران را در کانون توجه قرار داده و آن‌ها را برای بازسازی کشور فرا بخواند. در سطح تبیین نیز مشخص شد که این ائتلاف دولت با طبقه بالا، باعث گردید تا در کلام رئیس‌جمهور هاشمی، به لحاظ شانی بیشتر طبقات بالا ارزشمند

شمرده شوند و طبقات متوسط و پایین موقتاً در حاشیه قرار گیرند؛ به طوری که در این ادبیات سیاسی این دوره دیگر اشاره‌ای به طبقات متوسط جامعه و مطالبات آن‌ها نمی‌شود. به لحاظ انتفاع نیز دولت، توزیع ثروت بین آحاد جامعه را منوط به مرحله‌ی پس از رشد اقتصادی موکول کرد و استدلال نمود که اگر توسعه اقتصادی انجام بگیرد، کل جامعه در پرتو دست‌نمائی از مواهب آن بهره‌مند شده و دیگر نیازی به مکانیزم‌های دولتی بازتوزیعی نیست. در این راستا بود که هاشمی تنها راه تحقق عدالت اجتماعی را در اصلاح نظام پرداخت یارانه و واقعی ساختن قیمت کالاها و خدمات می‌بیند. در رابطه با پیامدهای این گفتمان نیز دیدیم که عدم توجه به مقوله عدالت اجتماعی که ارزش مورد خواست طبقات متوسط و پایین جامعه است، به تدریج انتقادات و اعتراضاتی را متوجه دولت شد و نگرانی‌ها از افزایش شکاف اجتماعی و در نتیجه آن بی‌ثباتی اجتماعی را موجب شد. این امر معضل همراهِسازی بخشی از جامعه توسط دولت را نشان می‌دهد که باید به طریقی حل شود.

## References

- Amirahmadi, Houshang (2002). Political society, Civil Society and National Development, Tehran, Naghsh and Negar publications. (In Persian)
- Bahrani, mohammad Hossein (2010). Middle Class and Political Evolutions in Contemporary Iran (1941-2001), Tehran, Agah publications. (In Persian)
- Bocock, Robert. Thompson, Ken (2018), Introduction to Understanding Modern Society: Social and Cultural Forms of Modernity, Translated by Kazem Firouzmand and Others, Tehran, Agah publications. (In Persian)
- Bradly, Harriet (2018). Changing in Social Stratification: Class, Gender, race, Translated by Mahmud mottahed, Mentioned in Bocock, Robert. Thompson, Ken (2018). Introduction to Understanding Modern Society: Social and Cultural Forms of Modernity, Translated by Kazem Firouzmand and Others, Tehran, Agah publications. (In Persian)
- Dejpasand, Farhad. Raoufi, Farhad (2008), irans Economic in Imposed War Era, Tehran, holly Defend Duclement Center. (In Persian)
- Economic liberalization and poverty reduction (2010). Available At: <http://www.un.org/esa/socdev/rwss/docs/2010/chapter6.pdf>. Pp 97-98
- Ehteshami, Anoushiravan, Zweiri, Mahjoob (2007). Iran and the Rise of its Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution, London: I. B. Tauris.
- Ehteshami, Anoushirvan (1999). Iran Foreign Policy in Sazandegi Era, Translated by Ebrahim mottaghi, Zohre Poustinchi, Tehran, Islamic Revolution Documents Center publications. (In Persian)
- Ettelaat Newspaper, 1989 August 17. (In Persian)
- Ettelaat Newspaper, 1989 August 25. (In Persian)
- Ettelaat Newspaper, 1990 January 13. (In Persian)
- Ettelaat Newspaper, 1992 July 18. (In Persian)
- Ettelaat Newspaper, 1992 November 25. (In Persian)
- Ettelaat Newspaper, 1993 August 4. (In Persian)

- Fairclough, Norman (2000). Critical Discourse Analysis, Translated by Nahid Shayestepiran and others, Tehran, Media Studies and Researches Center. (In Persian)
- Gholamreza Kashi, Mohammad Javad (2000), Magic of Language, Cultural Mind and meaning orders in 2 Khordad Elections, Tehran, Ayande Pouyan Publications. (In Persian)
- Ghouchani, Mohammad (2000). White Collars, Sociology of Civil Institutions in Today's Iran, Tehran, Naghash and Negar Publications. (In Persian)
- Hatami, Abbas (2006). Pendulum Pattern and State in Iran After Revolution, Analysis of Economic Structure and Political Structure Interactions, P. Hd Thesis, Faculty of Law and Political Science, Tehran University. (In Persian)
- Hejazi, Nasrollah (2001). Evolution of States social Nature in Iran (1977-1997), P. Hd Thesis, Faculty of Law and Political Science, Tehran University. (In Persian)
- Huntington, Samuel (1994), Costs of Freedom? Democracy or Economic Reforms” Translated by sima haj hariri, Ahmad salari, Events and Analysis Journal, number 85. (In Persian)
- Islamic Republic Newspaper, 1989 December 9. (In Persian)
- Islamic Republic Newspaper, 1990 May 7. (In Persian)
- Jafari Samimi, Ahmad (1990), “Sources of States Public Incomes and Economic Rise at Iran (1973-1988)”, Economic and Management Journal, Number 7. (In Persian)
- Kamali Dehkordi, parvane (1994). “Economic liberation in Iran” knowledge and Development Journal, Number 1. (In Persian)
- Keyhan Newspaper, 1989 August 1. (In Persian)
- Keyhan Newspaper, 1990 August 25. (In Persian)
- “look of day: look again to Concepts of Adjustment and Consolidation” (1995), Majles and Rahbord Journal. Number 17. (In Persian)
- Maloney, Suzanne (2015), Iran's Political Economy since the Revolution, New York: Cambridge University Press.
- Milani, Mohsen (2002), the Making of Irans Islamic Revolution: From Monarchy to Islamic Republic, Translated by Mojtaba Attarzade, Tehran, Gam Nou Publications (In Persian)
- Moemeni, Farshad (2014). Irans Economic in Structural Adjustment Era, Tehran, Naghash and Negar Publications. (In Persian)
- Mohseni, Mohammad Javad (2012). “Inquiry in Theory and Method of Discourse Analysis”, Cultural –social knowledge Journal, number 3. (In Persian)
- Mortazavi, Asadola (1999). “Structural Adjustment, New Stage of Liberalism, Effects and Outcomes of Adjustment Policies in Iran”, Bank and Economic Journal, Number 1. (In Persian)
- Mosallanejad, Gholamabbas (2005), State and Economic Development in Iran, Tehran, Ghoumes Publications (In Persian)
- Nili, Masoud (1997). Economic of Iran, Tehran, Excellent Institute of Book in Planning and Development. (In Persian)
- Razzaghi, Ebrahim (2013). The Economic of Iran, Tehran, Ney Publications.

- 
- Shafieifar, Mohammad (2008). Crisis and instabilities in Republic Islamic of Iran (1981-2005), P. Hd Thesis, Faculty of Law and Political Science, Tehran University. (In Persian)
  - Sheikhiyani, Hamze (2009). "Economic Adjustment Policies Effects on the Effect of Monetary Policies on Employment", Labor and Society journal, number 11,
  - Soltani, Aliasghar (2008). Power, Discourse and Language: Mechanisms of Power Flow in Republic Islamic of Iran, Tehran, Ney publications. (In Persian)
  - Vaezi, hasan (2014). Successes and Failures of Development in Iran, Tehran, Hermes Publications. (In Persian)
  - - Weiss, Martin A., Sanford, Jonathan E. (2008), CRS Report for Congress, The World Bank and Iran, Available At: <https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RS22704.pdf>History, Cambridge: Cambridge University Press.